



بررسی مقام رضا در دیوان رباعیات ابوسعید ابوالخیر

حلیمه میرکازهی نژاد^۱، حبیبه ملازهی پسکوه^۲

^۱ دانشگاه سیستان و بلوچستان ، mirkazei.h3531@gmail.com

^۲ دانشگاه سیستان و بلوچستان ، molazehi2619@gmail.com

چکیده

رضا یکی از مهم‌ترین و معنوی‌ترین مقامات در حرکت و سیر عرفانی به سوی خداوند می‌باشد. از ارزش‌های اخلاقی در عرفان برای کمال ایمان و شرافت انسان، رضا به قضای الهی و تسلیم محض بودن در مقابل شداید، بلاها و گرفتاری‌های ناخواسته زندگی است. تسلیم و رضا دومقامی هستند که بسیار نزدیک به هم و دوشادوش یکدیگرند. مقام تسلیم فوق مقام رضاست و مقام رضا فوق مقام توکل می‌باشد. در رضا سالک به هر آنچه خداوند بخواهد و انجام دهد، راضی می‌شود؛ اما در مقام تسلیم، سالک قطع تعلق می‌کند و دیگر برای وی طبعی باقی نمی‌ماند تا موافق یا مخالف باشد. رضا به معنای خشنودی و ثمره محبت انسان به ذات الهی است. اگر چنین معرفتی به خداوند با محبت همراه شود، رضایت از قضای خداوند حاصل می‌شود و اگر انسان به آن مرحله برسد که واقعا تسلیم محض پروردگار باشد و صبر و پایداری در برابر مشکلات در او مشاهده شود، می‌توان به معنا و مفهوم رضای الهی رسید. بسیاری از عارفان به این مقام بسیار اهمیت می‌داده‌اند. ابوسعید ابوالخیر، در میان انبوه عارفان ایرانی در فرهنگ سرزمین ما مقامی ممتاز دارد که او نیز به سیر و سلوک اهمیت فراوان می‌داده‌است و مقام رضا یکی از مهم‌ترین و معنوی‌ترین مقام‌ها نزد او بوده‌است تا آنجا که به این اعتقاد رسیده بود که اگر انسان دچار غرور و کبر شود به علت آن است که راضی به آن چه برایش پیش آمده نبوده‌است.

واژه های کلیدی: رضا، ابوسعید ابوالخیر، عرفان، رباعیات ابوسعید ابوالخیر

مقدمه

را توصیف کرده لذا گزارش‌های آنان در ظاهر با یکدیگر معارض شده‌است، در حالی که در باطن اقوال آنان گزارشگر یک نوع از واقعیت لایوصف است. چنان که شبستری می‌گوید:

در این ره اولیا باز از پس و پیش /

نشانی داده‌اند از منزل خویش

سخن‌ها چون به وفق منزل افتاد /

در افهام خلایق مشکل افتاد. [2]

درباره تعریف و تعداد حال و مقام بین صوفیانا اختلاف وجود دارد و حتی قشیری و کلابادی مرزی بین حال و مقام قابل نیستند ولی «از نظر عرفا مقام کسبی است و با مجاهده و ریاضت به دست می‌آید ولی حال موهبتی الهی است که از جانب پروردگار بر دل صوفی وارد شود» [3] می‌باشد. در مورد تعداد مقامات و حالات در سال‌های اول شکل‌گیری تصوف، تعداد مقامات و احوال محدود بود. در رساله آداب العبادات شقیق بلخی تنها از چهار منزل سخن می‌رود ولی در آثار نیمه دوم قرن چهارم و بعدتر، تعداد آن‌ها افزایش می‌یابد و به حدود چهل مقام و حال می‌رسد. کلابادی در تعریف سی مقام را ذکر می‌کند. سراج از هفت مقام و ده حال سخن می‌گوید. مستعملی در شرح تعرف سی مقام را ذکر می‌کند و سلمی در درجات المعاملات چهل و چهار لفظ را شرح می‌دهد. در قرن پنجم خواجه عبدالله از صد منزل و میدان در منازل السایرین نام می‌برد و روزبهان بقلی در مشرب الرواح هزار و یک مقام را شرح می‌دهد. در نزد اکثریت عارفان بعد از قرن ششم، هفت مقام وجود دارد: توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا. مقام رضا در عرفان و اخلاق اسلامی از بالاترین مقامات

عرفان راه حقیقت‌جویی است که بین همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته‌است. طریقه‌ای است که در کشف حقایق جهان و پیوند انسان و حقیقت نه بر عقل و استدلال، بلکه بر ذوق و اشراق و وصول و اتحاد با حقیقت تکیه دارد و برای نیل به این مراحل، اعمال ویژه‌ای را به کار می‌گیرد. [1] در این مکتب تنها بر علم تکیه نمی‌شود، بلکه عمل اصل و اساس کار است. برای رسیدن به آگاهی‌های عرفانی باید مراحل را پشت سر گذاشت و به سیر و سلوک پرداخت که شامل مقامات و احوال می‌باشد. نام مقامات در متون عرفانی معمولاً با احوال همراه شده است و تفکیک این دو مقوله از یکدیگر، با توجه به نظرات متفاوت عرفا، دشوار است. در فرهنگ اسلامی آنچه احوال و مقامات نامیده شد ابتدا به صورت مفاهیم ایمانی، اخلاقی و معنوی در قرآن و سنت رسول (ص) مطرح شده بود و به تدریج در عمل اصحاب و تابعین و دیگر مسلمانان راه یافت و به سیر و سلوک باطنی تبدیل شد و خلعت اصطلاحات عرفانی یافت. حالات و مقامات عارفان، همان منازل و موافقی است که سالک باید بپیماید تا قرین ساحت ربوبی شده یا بدان قرب یابد. البته صوفیان همواره تاکید کرده‌اند که غایت تصوف، داشتن فلان فضیلت یا مقام و حال نیست بلکه گذر کردن از همه فضایل و احوال و مقامات و نیل به وصال خداوند است. صوفیان در مورد تجارب نفس در سیر و سلوک، مابین منازل روحانی گذرا با منازل پایدار تمایز قابل هستند و در اصطلاح، منازل پایدار را مقام و دیگری را حال می‌نامند. از آنجا که هر عارفی بر حسب تجارب احوال خود این دو مقوله